

ارتباط متقابل بین حداقل دستمزد و تورم در اقتصاد ایران

حسین عباسی نژاد^۱

دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد habasi@ut.ac.ir

احمد تشکینی^۲

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی atashkini@gmail.com

تیمور رحمانی^۳

دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد trahmani@ut.ac.ir

هدیه ستایش

دانشگاه تهران h_setayesh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۳

چکیده

حداقل دستمزد از موضوعات مهم اقتصادی است که تأثیر زیادی بر متغیرهای کلان دارد. مطالعه حاضر با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری به بررسی رابطه‌ی بلندمدت و پویایی‌های کوتاه‌مدت سطح عمومی قیمت‌ها و عوامل مؤثر بر آن (با تأکید بر حداقل دستمزد) طی دوره‌ی ۱۳۸۹-۱۳۵۷ پرداخته است. طبق نتایج برآورد بردار هم‌انباشتگی به روش جوهانسون- جوسیلیوس، در بلندمدت، حداقل دستمزد (با ضریب ۰/۲۴) دارای تأثیر مثبت معنادار بر سطح عمومی قیمت‌ها می‌باشد، اگرچه تعیین‌کننده‌ترین متغیر در توضیح تغییرات تورم محسوب نمی‌شود. هم‌چنین براساس نتایج توابع تجزیه‌ی واریانس، سهم حداقل دستمزد در توجیه نوسانات قیمت‌ها ناچیز (به‌طور متوسط حدود ۱ درصد) و در مقابل سهم قیمت‌ها در توضیح بی‌ثباتی‌های حداقل دستمزد قابل ملاحظه است (به‌طور متوسط بیش از ۳۴ درصد). به بیانی دیگر، حداقل دستمزد در اقتصاد ایران متأثر از نرخ تورم می‌باشد. با توجه به تجربه‌ی کشورهای مورد بررسی پیشنهاد می‌شود در تعیین حداقل دستمزد، علاوه بر معیار تورم به مؤلفه‌ی بهره‌وری نیروی کار نیز توجه شود؛ هم‌چنین شیوه‌ی تعیین حداقل دستمزد از «ملی» به «منطقه‌ای» و هم‌چنین مبتنی بر گروه‌های مختلف شغلی تغییر یابد.

طبقه‌بندی JEL : J31, J33, E31

کلیدواژه‌ها: حداقل دستمزد، تورم، خودرگرسیون برداری، توابع عکس‌العمل، تجزیه

واریانس

۱- نویسنده مسئول، امیرآباد شمالی، روبروی بیمارستان شریعتی، ۶۱۱۱۸۰۶۸.

۲- خیابان کارگر شمالی، نیش کوچه همدان، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۰۹۱۲۴۱۴۵۷۶۸-۶۶۴۳۹۹۰۳.

۳- امیرآباد شمالی، روبروی بیمارستان شریعتی ۶۱۱۱۸۰۶۵

۱- مقدمه

تعیین حداقل دستمزد، موضوعی حساس و چالش برانگیز از منظر اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی است که تأثیر مستقیمی بر متغیرهای اسمی (هم‌چون قیمت و دستمزدهای اسمی) و حقیقی (هم‌چون تولید و اشتغال) برجای می‌گذارد. بر همین اساس، به‌کارگیری سیاست حداقل دستمزد دارای طیف وسیعی از موافقان و مخالفان است. براساس دیدگاه موافقان، اجرای سیاست حداقل دستمزد از طریق حفظ قدرت خرید نیروی کار در برابر رشد قیمت‌ها، گامی مهم در جهت حمایت از قشر کارگر و تحقق عدالت اجتماعی به‌شمار می‌آید. براین اساس، حداقل دستمزد باید مبتنی بر در نظر داشتن برخی شاخص‌ها و ملاحظات هم‌چون نرخ تورم تعیین شود. به بیان دیگر برای جبران کاهش قدرت خرید، نرخ تورم سالانه از مهم‌ترین عواملی است که در تعیین حداقل دستمزد باید مدنظر قرارگیرد. در مقابل این استدلال، دیدگاه مخالفان آن است که اجرای حداقل دستمزد به مثابه‌ی نوعی دخالت در بازار کار تلقی شده است که نتیجه‌ی آن بروز اختلال در این بازار می‌باشد. هم‌چنین افزایش سالانه‌ی دستمزدها مبتنی بر نرخ تورم سالانه و بدون توجه به مؤلفه‌ی بهره‌وری نیروی کار به ایجاد مارپیچ قیمت - دستمزد در اقتصاد منجر خواهد شد. مطالعه‌ی حاضر با هدف تحلیل نحوه‌ی تأثیرگذاری حداقل دستمزد بر نرخ تورم در اقتصاد ایران سعی در پاسخ‌گویی به سئوالات زیر دارد:

- ۱- دیدگاه موافقان و مخالفان تعیین حداقل دستمزد چیست؟
- ۲- چارچوب تعیین حداقل دستمزد در سایر کشورها کدام است؟
- ۳- مبانی قانونی و مبنای تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد ایران کدامند؟
- ۴- سازوکار مناسب برای تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد ایران کدام است؟

۲- مروری بر مبانی نظری

یکی از نظریه‌های اقتصادی در مورد دلایل ایجاد تورم، «نظریه‌ی تورم ناشی از فشار هزینه» می‌باشد. براساس این نظریه افزایش هزینه‌ی تولید و انتقال منحنی عرضه‌ی کل علت اصلی ترقی قیمت‌ها قلمداد می‌شود. مصادیق عمده‌ی تورم ناشی از فشار هزینه در قالب: «فشار در افزایش دستمزد»، «افزایش در قیمت مواد اولیه» و «فشار در افزایش حاشیه‌ی سود» قابل دسته‌بندی می‌باشند. بدان دلیل که رویکرد مطالعه‌ی حاضر به مقوله‌ی «فشار در افزایش دستمزد» مرتبط می‌باشد لذا توضیحات این بخش بر موضوع

دستمزد (به‌ویژه حداقل دستمزد) متمرکز شده است. به‌لحاظ نظری اعمال سیاست «حداقل دستمزد» به معنای تعیین سطح دستمزدها در سطحی بالاتر از سطح تعادلی آن در بازار است. تعیین حداقل دستمزد با تأثیری که بر حاشیه سود تولیدکنندگان بر جای می‌گذارد، به کاهش انگیزه‌ی تولیدی بنگاه‌ها و بنابراین کاهش تولید و اشتغال منجر می‌شود. افزون بر این امر اعمال سیاست حداقل دستمزد دارای ارتباطی متقابل با هزینه‌ی بنگاه‌ها و به دنبال آن قیمت‌ها نیز می‌باشد. براساس نظریه‌ی تورم ناشی از «فشار در افزایش دستمزد»، افزایش دستمزدها به نسبتی بیش از رشد بهره‌وری نیروی کار سبب پیدایش تورم می‌شود، بنابراین کارفرمایان برتی حداکثرسازی سود خود تا جایی که به استخدام نیروی کار می‌پردازند که میزان بهره‌وری یا محصول نهایی نیروی کار (MPL)^۱ برابر با دستمزد حقیقی (W/P) شود. حال در صورت افزایش دستمزدها به نسبتی بیش از رشد بهره‌وری نیروی کار، هزینه‌ی تولید افزایش یافته و کارفرمایان جهت حفظ حاشیه سود خود اقدام به افزایش قیمت‌ها می‌کنند. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها کاهش دستمزدهای حقیقی را موجب شده و در نتیجه فشار در جهت افزایش دستمزدهای اسمی افزایش می‌یابد (و این فرآیند دوباره تکرار می‌شود). چنین روندی «مارپیچ قیمت- دستمزد»^۲ نامیده می‌شود. یکی از مسائل مورد بحث در مورد سیاست افزایش حداقل دستمزدها آن است که این سیاست منجر به رانده شدن بسیاری از بنگاه‌ها به بیرون از بازار می‌شود، زیرا به‌طور معمول بنگاه‌ها فعالیت خود را در سطحی متناظر با کارآیی به انجام می‌رسانند، بنابراین افزایش هزینه‌ی دستمزد نیروی کار باید در جای دیگری جذب شود. در این خصوص یک راهکار آن است که بنگاه قیمت‌های خود را افزایش دهد، اما در صورتی که منحنی تقاضای مقابل بنگاه پرکشش باشد، آن‌گاه دیگر فضایی برای افزایش قیمت کالای تولیدی بنگاه مربوطه باقی نخواهد ماند؛ بنابراین بسیاری از بنگاه‌ها ورشکسته خواهند شد. راه حل دیگر آن است که بنگاه‌ها از تعداد نیروی کار خود بکاهند و تولید خود را کاهش دهند، که در این صورت نیز با کاهش یافتن مقیاس عملکرد بنگاه، برخی از بنگاه‌ها ناچار به خروج از بازار خواهند بود، در نهایت ممکن است بنگاه‌ها از روش جایگزین کردن فن‌آوری به جای نیروی کار بهره گیرند که این امر نیازمند سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای است که هر بنگاهی از عهده‌ی آن برنخواهد آمد و آن دسته از بنگاه‌هایی که قادر به انجام چنین سرمایه‌گذاری‌هایی

1- Marginal Product of Labor

2- Spiral of Wages and Prices

نباشند به ناچار از صحنه‌ی بازار خارج خواهند شد، بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان بیان کرد که فرآیند بروز تورم فشار هزینه (از کانال افزایش دستمزدها)، بدین صورت است که افزایش هزینه‌های تولید (در اثر افزایش در تقاضای دستمزد)، منجر به کاهش تولید از سوی تولیدکنندگان و در نهایت افزایش قیمت‌ها می‌شود. اما از سوی دیگر «جلوگیری از استثمار نیروی انسانی»، «حفظ و ارتقاء قدرت خرید»، «از میان بردن رقابت غیرقانونی کارفرمایان» و «تحقق توزیع عادلانه درآمد»، بی‌تردید از اهداف مهم اقتصادی-اجتماعی دولت‌ها محسوب می‌شود. در راستای نیل به این اهداف، ضوابط و معیارهائی برای تعیین حداقل دستمزد موجود است که براساس توصیه‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۳۵ سازمان بین‌المللی کار، در قالب شش معیار: (۱) نیاز کارگران و خانواده‌های آن‌ها، (۲) سطح عمومی دستمزدها در کشور، (۳) هزینه‌ی زندگی و تغییرات آن، (۴) مزایای تأمین اجتماعی، (۵) استانداردهای نسبی زندگی دیگر گروه‌های اجتماعی و (۶) عوامل اقتصادی، قابل دسته‌بندی می‌باشند.^۱ در بحث تعیین حداقل دستمزدها، گستره‌ی اعمال قوانین حداقل دستمزد نیز در پنج گروه شامل «حداقل دستمزد ملی»، «حداقل دستمزد منطقه‌ای»، «حداقل دستمزد در شاخه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی»، «حداقل دستمزد در حرف مختلف»، و «حداقل دستمزد به صورت ترکیبی» قابل تفکیک می‌باشد. «حداقل دستمزد ملی» به دلیل سهولت در اجرا، فراگیرترین شیوه و «حداقل دستمزد به صورت ترکیبی»، به دلیل رعایت و در نظر داشتن ویژگی‌های مناطق جغرافیایی و شاخه‌های فعالیتی مختلف، مناسب‌ترین شیوه در تعیین حداقل دستمزد به‌شمار می‌روند.

بدیهی است با توجه به ماهیت دوگانه‌ی حداقل دستمزد (از یک سو درآمد کارگران و از سوی دیگر هزینه‌ی تولیدکنندگان)، اجرای آن دیدگاه‌های موافق و مخالف به همراه داشته باشد. موافقان اجرای این سیاست به دلایلی هم‌چون افزایش سطح متوسط استاندارد زندگی اقشار کم درآمد و آسیب پذیر اجتماع، افزایش انگیزه‌ی کار، تحریک مصرف در افراد کم درآمد از طریق افزایش درآمد آن‌ها، کاهش هزینه‌های دولت در زمینه‌ی تأمین رفاه اجتماعی به دلیل افزایش درآمد اقشار کم‌درآمد، عدم وجود پیامدهای بودجه‌ای، قابلیت اجرایی ساده‌ی آن و مقابله با استثمار نیروی کار؛ اجرای آن را توصیه می‌کنند. در مقابل، منتقدان سیاست حداقل دستمزد، پیامدهائی از قبیل کاهش تقاضای نیروی کار از طریق کاهش تعداد ساعات کارگران و یا کاهش تعداد

مشاغل، افزایش قیمت تمام شده محصولات در صنایعی که مشمول قانون حداقل دستمزد هستند، محدود کردن آزادی کارفرما و کارگر، کاهش رشد اقتصادی (به دلیل تمرکز کارفرمایان بر انتخاب نوع نهاده‌ی تولیدی ارزان‌تر (به جای بهینه سازی)، افزایش هزینه‌های اجتماعی دولت، کاهش حاشیه‌ی سود بنگاه‌ها و کاهش تمایل افراد کم درآمد به کسب تحصیلات مراتب بالاتر (به دلیل ایجاد وسوسه برای ورود به بازار کار) را در خصوص اجرای این سیاست محتمل می‌دانند.

۳- مروری بر مطالعات انجام شده

در این بخش به بررسی مطالعات تجربی انجام شده در خصوص روابط متقابل میان حداقل دستمزد (هم‌چنین دستمزد) و تورم در داخل و خارج پرداخته شده است. مهرا (۱۹۹۳)^۱، به بررسی رابطه‌ی علیت بین قیمت‌ها و دستمزدهای تعدیل شده نسبت به بهره‌وری براساس داده‌های فصلی دوره‌ی زمانی ۱۹۹۲:۴-۱۹۵۵:۱ پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی وی نشان می‌دهد که رابطه‌ی علیت از قیمت به دستمزد برقرار است، هم‌چنین در بلندمدت بین قیمت‌ها و دستمزدها رابطه‌ی مثبت و معنادار برقرار می‌باشد. ریسمن (۱۹۹۵)^۲، در مطالعه‌ی درصد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا تغییرات نرخ رشد دستمزد اسمی در یک صنعت می‌تواند دلالت بر وقوع تورم در آینده داشته باشد. وی در این مطالعه، با استفاده از داده‌های فصلی ۱۹۹۴:۴-۱۹۶۴:۱، به بررسی ارتباط متقابل میان متغیرهای دستمزد، قیمت و بهره‌وری در ۱۰ صنعت پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در بیش‌تر صنایع مورد آزمون، جهت علیت از قیمت‌ها به دستمزدها می‌باشد. تنها در دو بخش تولیدات صنعتی و خرده‌فروشی، شواهدی مبنی بر آنکه دستمزدها می‌توانند علیت گرنجری قیمت‌ها باشند یافت شده است. اگنور و هاف میستر (۱۹۹۷)^۳، در یک بررسی جامع با استفاده از داده‌های فصلی ۱۹۷۹-۱۹۹۵ و در قالب یک مدل VAR به ارزیابی روابط کوتاه‌مدت بین رشد دستمزدهای اسمی، تورم، رشد تولید، و کاهش ارزش پول در چهار کشور در حال توسعه با درآمد متوسط شامل شیلی، کره، مکزیک و ترکیه پرداخته‌اند. براساس نتایج به دست آمده می‌توان تغییرات دوره‌ای دستمزدها را در درک فرآیند تورمی

1- Mehra, Yash (1993)

2- Rissman, Ellen (1995)

3- Age' nor, Pierre-Richard and Alexander Hoffmaister (1997)

کشورهای در حال توسعه مهم تلقی کرد. در تمام کشورهای نمونه به جز کره، دستمزدها به طور معناداری نسبت به تکانه‌ی قیمت‌ها واکنش نشان می‌دهند. رالت (۲۰۰۳)^۱، در مطالعه‌ی مبتنی بر رویکرد VAR-ECM و با استفاده از داده‌های فصلی ۱۹۹۹:۴-۱۹۷۰:۱، به بررسی رابطه‌ی متقابل بین تورم، حداقل دستمزدها در کشور فرانسه پرداخته است. براساس نتایج به دست آمده از بردارهای هم انباشتگی، افزایش قیمت‌ها در نهایت منجر به کاهش دستمزدهای واقعی می‌شود. مهرگان و رضایی (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ی خود به بررسی رابطه‌ی علی بین نرخ تورم و حداقل دستمزد در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۴۸ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها دلالت بر آن دارد که طی دوره‌ی مورد بررسی، تغییرات نرخ تورم سبب تغییرات در حداقل دستمزد شده است. به عبارت دیگر، رابطه‌ی علی از تورم به حداقل دستمزد می‌باشد و وجود رابطه‌ی علی از حداقل دستمزد به تورم تأیید نمی‌شود.

۴- مروری بر تجربه‌ی کشورها و واقعیات اقتصاد ایران

در این قسمت به تحلیل و بررسی تجربه‌ی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا و هم‌چنین ایران در زمینه‌ی قوانین و نحوه‌ی تعیین حداقل دستمزد پرداخته شده است.

۱-۴- حداقل دستمزد در کشورهای اتحادیه اروپا^۲

بازار نیروی کار در اقتصادهای مبتنی بر بازار، سه سازوکار اصلی تعیین‌کننده‌ی دستمزد را در بطن خود نهفته دارد که عبارتند از: «غیراتحادیه‌ای»^۳، «اتحادیه‌ای یا چانه‌زنی جمعی»^۴ و «حکمی»^۵.

این سازوکارها می‌توانند در کنار یکدیگر در یک اقتصاد بازاری وجود داشته باشند و در کنار آن‌ها معمولاً تنظیمات دولتی دستمزد نیز وجود دارد.

در میان کشورهای اتحادیه‌ی اروپا ۱۸ عضو دارای قانون حداقل دستمزد می‌باشند. به طور کلی نزدیک به سه چهارم اعضای اتحادیه‌ی اروپا بر مبنای قانون، انواعی از حداقل

1- Rault, Christophe (2003)

۲- انتخاب کشورهای اتحادیه‌ی اروپا بدلیل همگن بودن، وجود آمار و اطلاعات قابل اتکا، امکان مقایسه‌ی سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای مختلف، متمرکز بودن اطلاعات و سیاست‌ها در سایت مشخص و هم‌چنین تعداد زیاد این کشورها بوده است.

3- Non-Union

4- Unions or Collective Bargaining

5- Arbitration

دستمزد را دارا می‌باشند و در مابقی کشورها، اتحادیه‌ها نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. به غیر از بلژیک و قبرس، در مابقی کشورهایی که قانون حداقل دستمزد اعمال می‌شود تمامی نیروی کار بزرگسال مشمول آن می‌باشند. در قبرس برخی مشاغل خاص مشمول آن بوده و در بلژیک نیز تنها نیروی کار بخش خصوصی تحت پوشش حداقل دستمزد قرار دارد. در جدول (۱) مشمولان حداقل دستمزد به تفکیک کشورها درج شده است.

جدول ۱- میزان بهره‌مندی از تعیین حداقل دستمزد

کشور	میزان پوشش	نیروی کار معاف از حداقل دستمزد	برخورداران از حداقل دستمزد
بلژیک	-	نیروی کار بخش عمومی و کارآموزان	نیروی کار بخش خصوصی
بلغارستان	-	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
جمهوری چک	۲ تا ۳٪ نیروی کار	در شرایط خاص نرخ‌های حداقل دستمزد ساعتی یا ماهیانه‌ی پایین‌تری وجود دارند (که در مورد شاغلان در سنین ۱۸ تا ۲۱ سال و در ابتدای شروع کارشان و یا کارهای عام‌المنفعه مصداق دارد).	تمامی نیروی کار
استونی	-	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
فرانسه	۱۳٪ نیروی کار	خدمات شهری و کارآموزان و زندانیان.	تمامی نیروی کار
یونان	-	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
مجارستان	-	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
ایرلند	۴٫۵٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
لیتوانی	۱۵٫۷٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
لتونی	۱۸٫۴٪ نیروی کار و ۱۰٫۱٪ از شاغلان تمام وقت	حداقل دستمزد برای برخی کارکنان برخی بخش‌های عمومی کاسته شده است (نظیر قضات، خدمات شهری، نیروی نظامی و ادارات عمومی).	تمامی نیروی کار
مالت	-	تمامی نیروی کاری که تحت پوشش مقررات دستمزد بخشی می‌باشند.	تمامی نیروی کار
هلند	۲٫۱٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
لهستان	۴٫۲٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
رومانی	۲۸٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
اسلواکی	۲ تا ۴٪ نیروی کار	حداقل دستمزد برای نیروی کار ناتوان که تحت پوشش حقوق بازنشستگی نیستند ۵۰ تا ۷۵ درصد کم‌تر است.	تمامی نیروی کار
اسلونی	۲٫۷٪ نیروی کار	معاف ندارد	تمامی نیروی کار
اسپانیا	۱ تا ۳٪ نیروی کار	کارآموزان	تمامی نیروی کار
انگلستان	۵٪ نیروی کار	معافیتی در سطح بزرگسالان ندارد (کارآموزان، نرخ‌های پایین‌تری دریافت می‌کنند).	تمامی نیروی کار

(European Industrial Relations Observatory On-Line): EIRO -
<http://www.eurofound.europa.eu/eiro/2005/07/study/tn0507101s.htm>

از جمله ویژگی‌هایی که به صورت مشترک در تمامی کشورهای مورد بررسی وجود دارد آن است که قوانین مربوط به حداقل دستمزد، در سطح «ملی» بوده و تفاوتی بین بخش‌ها و نواحی مختلف وجود ندارد. از دیگر ویژگی‌های بارز اعمال نرخ‌های متمایز حداقل دستمزد بر مبنای دو معیار «سن» و «مهارت» است، به گونه‌ای که در ۹ کشور از کشورهای نامبرده برای کارگران جوان‌تر و یا کم مهارت‌تر، نرخ‌های حداقل دستمزد پایین‌تری اعمال می‌شود که این نرخ در شرایط خاص انعطاف‌پذیر است. به عنوان مثال، به منظور گسترش اشتغال در میان جوانان در سال‌های اولیه اشتغال، این نرخ پایین‌تر در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین، نرخ مذکور برای بازنشستگان که تمایل به ادامه‌ی اشتغال دارند نیز پایین‌تر تعیین می‌شود (جدول ۲).

جدول ۲- مشخصه‌های ساختاری حداقل دستمزد

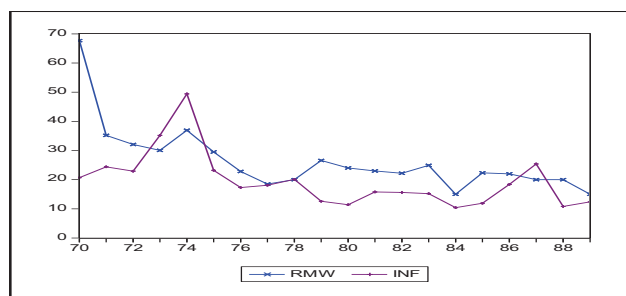
کشور	پرداخت یارانه‌ی دستمزد به مشمولان حداقل دستمزد	تفکیک منطقه‌ای یا بخشی	تفکیک سنی	تفکیک بر اساس کیفیت مهارت یا نوع شغل
بلژیک	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	نرخ برای افراد ۱۶ تا ۲۰ سال کاهش یافته، برای شاغلان ۲۱,۵ ساله با ۶ ماه اشتغال، ۲,۷۵٪ افزوده می‌شود. برای شاغلان ۲۲,۵ ساله با ۱۲ ماه اشتغال، ۴٪ افزوده می‌شود.	انجام نمی‌گیرد
بلغارستان	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
جمهوری چک	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	نرخ آن برای گروه سنی ۱۵ تا ۲۱ ساله کاهش یافته است.	نرخ برای افراد ناتوان که حقوق بازنشستگی کامل یا نیمه دریافت می‌کنند ۵۰ تا ۷۵ درصد دارد.
قبرس	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	حداقل دستمزد پس از ۶ ماه کار به حداکثر میزان خود می‌رسد.
استونی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
فرانسه	کاهش کمک‌های تأمین اجتماعی	انجام نمی‌گیرد	نرخ برای افراد ۱۶ و ۱۷ ساله تقلیل یافته است.	نرخ برای افراد از کارافتاده تقلیل یافته است
یونان	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	برحسب مدت خدمت و وضعیت تأهل در سطوح متفاوت است

کشور	پرداخت یارانه‌ی دستمزد به مشمولان حداقل دستمزد	تفکیک منطقه‌ای یا بخشی	تفکیک سنی	تفکیک بر اساس کیفیت مهارت یا نوع شغل
مجارستان	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
ایرلند	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	برای شاغلان زیر ۱۸ سال کاهش یافته است.	کاهش نرخ برای شاغلان بالای ۱۸ سال برای دو سال اول اشتغال
لیتوانی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	این نرخ تا ۱۴ درصد افزایش می‌یابد و در همه گروه‌ها ممکن است ساعت کار دست کم ۷ ساعت در روز و ۳۵ ساعت در هفته باشد.	تفکیک بر اساس سن و مهارت شغلی است.
لتونی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد اما براساس قانون امکان پذیر است	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
مالت	انجام نمی‌گیرد	حداقل دستمزد در سطح بخش تعیین می‌شود	کاهش نرخ برای شاغلان زیر ۱۸ سال	تعیین حداقل دستمزد در سطح ملی است
هلند	برای شاغلان با دستمزد پایین	انجام نمی‌گیرد	کاهش نرخ برای ۱۵ تا ۲۲ ساله‌ها	انجام نمی‌گیرد
لهستان	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	برای شاغلان با سابقه کم‌تر از دو سال
رومانی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
اسلواکی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	کاهش نرخ برای شاغلان در سن ۱۶ تا ۱۸ سال (۷۵٪) و زیر ۱۶ سال (۵۰٪) ناتوان	کاهش نرخ (۵۰ درصد و ۷۵ درصد) برای شاغلان ناتوان
اسلونی	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد
اسپانیا	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	کاهش نرخ (۶۶٫۷ درصد) برای کارآموزان و افراد ناتوان
انگلستان	انجام نمی‌گیرد	انجام نمی‌گیرد	کاهش نرخ‌ها برای سنین ۱۶ تا ۲۱ سال	کاهش نرخ (۸۵٪) برای شاغلان بزرگسال در ۶ ماه اول اشتغال

شایان ذکر است یکی از نکات کلیدی در اجرای سیاست مذکور «معیارهای تعیین حداقل دستمزد» می‌باشد. به‌طور کلی در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا مهم‌ترین معیارهای تعیین حداقل دستمزد شامل استانداردهای عمومی زندگی کارگران، عوامل اقتصادی از قبیل سطح بهره‌وری، تورم و اشتغال، نیازهای کارگران کم درآمد، مقدار درآمد لازم جهت حفظ استانداردهای زندگی بالای خط فقر، بهره‌وری نیروی کار و سود کارفرمایان، حداقل نیازهای معیشتی، میزان دستمزد رایج در بازار، شرایط بازار کار، رشد اقتصادی و درآمد سرانه و کارایی نیروی کار می‌باشد.

۲-۴- تحلیل واقعیات اقتصاد ایران

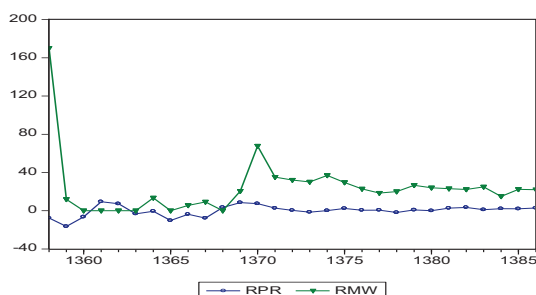
مروری بر روند شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و حداقل دستمزد طی دوره‌ی زمانی ۱۳۶۹-۱۳۸۸ حاکی از آن است که متغیرهای مذکور طی دوره‌ی مورد نظر، متوسط رشد سالانه ۱۹,۶ و ۲۶,۵ درصدی را تجربه کرده‌اند. تحلیل روند تورم و رشد حداقل دستمزد طی دوره‌ی مورد نظر حکایت از ضریب همبستگی مثبت ۰,۳۷، بین آن‌ها دارد.



مآخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۱- روند تورم (INF) و رشد حداقل دستمزد (RMW)

هم‌چنین مروری بر روند رشد حداقل دستمزد و رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۶-۱۳۵۸ حاکی از آن است که تقریباً در تمامی سال‌ها رشد حداقل دستمزدها بیش از رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار بوده است (در سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۸ رشد بهره‌وری نیروی کار تا اندازه‌ای از رشد حداقل دستمزدها پیشی گرفته است). شایان ذکر است ضریب همبستگی متغیرها طی دوره‌ی مذکور ۰,۰۸- بوده است که حاکی از شدت همراهی بسیار ضعیف آن‌هاست.



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۲- رشد حداقل دستمزد (RMW) و رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار (RPR)

شایان ذکر است طبق ماده‌ی (۴۱) قانون کار، شورای عالی کار همه ساله موظف است برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف: ۱- حداقل مزد کارگران را با توجه به درصد تورمی که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین کند و ۲- حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محمول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین کند. نحوه‌ی تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد ایران بدین صورت است که در اسفندماه هر سال نمایندگان اصناف کارگری، کارفرمایی و دولت با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انطباق هرچه بیش‌تر درآمد آن‌ها با سطح معیشت و هم‌چنین با توجه به مقتضیات بنگاه‌های تولیدی (کارفرمایان) و شرایط اقتصادی جامعه، به اتفاق آراء میزان حداقل دستمزد را برای سال آینده به تصویب می‌رسانند. وجود این قوانین سبب شده تا دستمزدها هر ساله با در نظر گرفتن نرخ تورم سالانه مورد تعدیل قرار گیرند. در نتیجه‌ی اجرای چنین سیاستی، بنگاه‌های تولیدی سالانه با افزایش هزینه‌های ناشی از افزایش دستمزدها مواجه می‌شوند. مروری بر آنالیز هزینه‌های عملیاتی گروه‌های صنعتی منتخب در سال ۱۳۸۵ براساس جدول (۳) حاکی از آن است که دستمزد به‌طور متوسط حدود ۸ درصد از کل هزینه‌های صنعت را به خود اختصاص می‌دهد. به‌عنوان مثال در صنایع «پوشاک»، «انتشار»، «چاپ و تکثیر»، «توتون و تنباکو» و «بازیافت» به‌ترتیب حدود ۲۴، ۲۱، ۲۰ و ۱۷ درصد از کل هزینه‌ها متعلق به دستمزد است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مواد اولیه، موجودی انبار، حقوق و مزایا، اموال سرمایه‌ای، پرداختی صنعتی و غیرصنعتی و

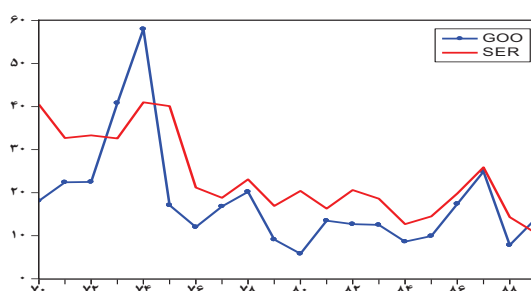
جدول ۳- سهم هزینه‌های عملیاتی در گروه‌های صنعتی منتخب در سال ۱۳۸۵ (درصد)

موجودی انبار	پرداختی صنعتی و غیرصنعتی	اموال سرمايه‌ای	مواد اولیه	انرژی	حقوق و مزایا	
۱۳,۹۶	۳,۴۳	۴,۴۰	۶۷,۷۰	۱,۳۵	۹,۱۵	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی
۱۴,۵۳	۶,۳۰	۰,۰۱	۵۷,۹۴	۱,۱۵	۲۰,۰۷	توتون و تنباکو - سیگار
۲۱,۰۱	۲,۹۹	۵,۷۶	۵۵,۷۰	۲,۰۶	۱۲,۴۸	منسوجات
۱۳,۴۳	۵,۳۲	۲,۸۴	۵۳,۷۰	۱,۰۲	۲۳,۷۰	پوشاک - عمل آوردن
۱۴,۲۶	۲,۰۷	۲,۲۸	۶۹,۹۴	۰,۹۰	۱۰,۵۴	دباغی و عمل آوردن چرم و
۳۰,۸۶	۳,۸۸	۱,۵۱	۴۹,۵۲	۱,۸۳	۱۲,۴۰	چوب و محصولات چوبی
۲۲,۷۱	۲,۸۴	۳,۶۳	۵۶,۵۶	۲,۶۳	۱۱,۶۳	کاغذ و محصولات کاغذی
۳۳,۶۵	۷,۷۶	۴,۵۷	۳۲,۲۲	۰,۸۹	۲۰,۹۱	انتشار و چاپ و تکثیر
۱۰,۱۳	۶,۲۶	۳,۸۶	۷۱,۴۱	۱,۵۰	۶,۸۴	صنایع تولید زغال کک پالایشگاه
۱۶,۱۵	۵,۸۰	۱۳,۰۶	۵۸,۰۸	۱,۶۰	۵,۳۰	صنایع تولید مواد شیمیایی
۲۲,۸۸	۳,۲۸	۵,۲۶	۵۷,۴۶	۱,۳۵	۹,۷۷	محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۲۳,۴۶	۷,۰۲	۸,۵۶	۳۶,۸۷	۶,۹۵	۱۷,۱۴	سایر محصولات کانی غیرفلزی
۱۸,۷۵	۶,۸۳	۷,۸۵	۵۷,۴۲	۳,۲۸	۵,۶۰	فلزات اساسی
۲۳,۲۹	۳,۷۱	۲,۶۱	۵۸,۰۸	۰,۸۰	۱۱,۵۲	محصولات فلزی فابریکی
۳۱,۲۱	۴,۳۲	۳,۴۹	۵۰,۱۸	۰,۵۵	۱۰,۲۴	ماشین آلات و تجهیزات
۲۲,۵۳	۵,۰۵	۱۳,۷۹	۴۲,۲۵	۰,۴۷	۱۵,۹۲	ماشین آلات اداری و حسابگر
۲۴,۱۵	۲,۹۲	۲,۰۲	۶۲,۲۶	۰,۴۶	۸,۱۸	ماشین آلات مولد و انتقال برق
۳۳,۵۲	۳,۳۹	۲,۷۰	۵۰,۰۲	۰,۳۰	۱۰,۰۷	رادیو و تلویزیون
۲۷,۲۶	۶,۵۸	۳,۱۲	۴۶,۲۰	۰,۸۱	۱۶,۰۲	ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی
۱۸,۷۶	۶,۲۲	۱,۵۵	۶۷,۹۵	۰,۲۵	۵,۴۱	وسایل نقلیه موتوری و تریلر
۲۸,۱۵	۹,۷۱	۴,۶۴	۴۵,۰۷	۰,۴۸	۱۱,۹۵	سایر وسایل حمل و نقل
۱۶,۳۲	۳,۷۸	۹,۰۸	۵۵,۰۲	۰,۹۲	۱۴,۸۸	مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده
۱,۶۲	۲,۴۶	۰,۸۹	۷۶,۴۲	۲,۰۴	۱۶,۵۶	باز یافت
۲۰	۵/۲	۵/۳	۶۰	۱/۵	۸	کل صنعت

مأخذ: مرکز آمار ایران

انرژی به ترتیب دارای سهم ۶۰، ۲۰، ۸، ۵/۳، ۵/۲ و ۱/۵ درصدی از کل هزینه‌ها می‌باشند. نکته‌ی قابل توجه آن است که سهم مواد اولیه، موجودی انبار، حقوق و مزایا، اموال سرمایه‌ای، پرداختی صنعتی و غیرصنعتی و انرژی از کل هزینه‌ها در سال ۱۳۸۲ به ترتیب ۶۸، ۷/۵، ۱۱، ۵/۷، ۵/۳ و ۲/۵ درصد بوده است که نشان می‌دهد سهم موجودی انبار از کل هزینه‌ها در سال ۱۳۸۲ از ۷/۵ درصد به ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این امر حاکی از کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی و عدم فروش آن‌ها در بازار است.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر آن است که سهم دستمزد در گروه خدمات بسیار بالاتر از گروه کالا می‌باشد. به‌عنوان مثال سهم دستمزد در گروه‌های خدماتی «بانک»، «هتلداری»، «حمل و نقل»، «بیمه»، «ساختمان» و «رستوران» به ترتیب ۷۵، ۳۸، ۳۱، ۲۸، ۲۵ و ۱۰ درصد می‌باشد. بدیهی است افزایش مشخصی در دستمزدها، گروه خدمات را نسبت به گروه کالا بیش‌تر متأثر خواهد کرد.



مآخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۳- رشد شاخص قیمت گروه خدمات (GOO) و کالا (SER)

تحلیل روند شاخص قیمت گروه خدمات و کالا طی دوره‌ی ۸۹-۱۳۷۰ حاکی از آن است که در تمامی سال‌های موردنظر، رشد گروه خدمات بیش از رشد گروه کالا بوده است (نمودار ۳). شایان ذکر است سهم گروه کالا و خدمات در سبد مصرفی خانوار به ترتیب ۵۷/۱۳ و ۴۲/۸۷ درصد می‌باشد. وجود رشد بالای شاخص قیمت گروه خدمات طی سال‌های اخیر در کنار سهم بالای دستمزد از کل هزینه‌های این گروه نشان‌گر آن است که افزایش‌های مستمر و سالانه‌ی دستمزد به عنوان یکی از عوامل مهم در رشد شاخص قیمت این گروه می‌باشد.

۵- بررسی مدل تجربی در ایران

در این قسمت به ارائه‌ی مدل تجربی برای تحلیل روابط بلندمدت و پویایی‌های کوتاه‌مدت عوامل مؤثر بر سطح عمومی قیمت‌ها با تأکید بر حداقل دستمزد طی دوره‌ی زمانی ۸۶-۱۳۵۷ پرداخته شده است. در این راستا از روش هم‌انباشتگی جوهانسون-جوسیلیوس (برای تحلیل روابط بلندمدت) و هم‌چنین توابع عکس‌العمل و تجزیه‌ی واریانس (برای تحلیل پویایی‌های کوتاه‌مدت) استفاده می‌شود. فرم عمومی مدل مورد بررسی به صورت $LCPI = f(LMINW, LM2, LY, LER)$ است که در آن:

LCPI لگاریتم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۳، LMINW لگاریتم حداقل دستمزد، LY لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳، LM2 لگاریتم حجم نقدینگی و LER لگاریتم نرخ ارز در بازار غیررسمی می‌باشند. برای برآورد مدل از فرم خطی-لگاریتمی استفاده شده است.

۱-۵- آزمون ریشه‌ی واحد

با توجه به استفاده از روش هم‌انباشتگی برای برآورد روابط بلندمدت بین متغیرها، نیاز است تا ابتدا به انجام آزمون ریشه‌ی واحد و بررسی وضعیت مانایی متغیرها پرداخته شود. نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته حاکی از آن است که متغیرها روی سطح نامانا هستند، اما تفاضل مرتبه‌ی اول آن‌ها مانا می‌باشند.

جدول ۴- نتایج آزمون ریشه‌ی واحد دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم یافته

آزمون بر روی سطح متغیرها			آزمون بر روی تفاضل اول متغیرها		
متغیر	آماره‌ی محاسباتی	وضعیت	متغیر	آماره‌ی محاسباتی	وضعیت
LCPI	-۱/۷۲ (-۳/۵۷۳)	نامانا	d(LCPI)	-۳/۵۹ (-۳/۵۷۹)	مانا
LM2	-۲/۵۴ (-۳/۵۷۳)	نامانا	d(LM2)	-۳/۸۵ (-۳/۵۷۹)	مانا
LY	-۱/۳۲ (-۳/۵۷۳)	نامانا	d(LY)	-۳/۷۳ (-۳/۵۷۹)	مانا
LER	-۰/۵۶ (-۳/۵۷۳)	نامانا	d(LER)	-۴/۰۲ (-۳/۵۷۹)	مانا
LMINW	-۲/۸۹ (-۳/۵۷۳)	نامانا	d(LMINW)	-۴/۰۱ (-۳/۵۷۹)	مانا

- اعداد داخل پرانتز نشانگر مقادیر بحرانی می‌باشند.

۱- مدل مذکور مبتنی بر نظریه‌ی مقداری پول و هم‌چنین برخی شواهد و واقعیات اقتصاد ایران طراحی شده است. حجم نقدینگی به‌عنوان نماینده‌ی طرف تقاضا، تولید به‌عنوان متغیر طرف عرضه، نرخ ارز به‌عنوان متغیری که انتظارات تورمی براساس آن شکل می‌گیرد و هم‌چنین دستمزدها به‌عنوان نماینده‌ی فشار هزینه در مدل وارد شده‌اند.

پس از انجام آزمون ریشه‌ی واحد، وقفه‌ی بهینه‌ی مدل خودرگرسیو برداری (VAR) براساس معیار شوارز-بیزین، یک تعیین شده و در ادامه مدل VAR مورد برآورد قرار گرفته و براساس آزمون‌های حداکثر مقدار ویژه^۱ و آزمون اثر^۲ تعداد بردارهای هم انباشتگی مشخص شده است.^۳

۲-۵- استخراج رابطه‌ی هم انباشتگی (بلندمدت)

در روش جوهانسون-جوسیلیوس، تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی و استخراج آن‌ها توسط دو آماره‌ی «بزرگ‌ترین مقدار ویژه» و «آزمون اثر» انجام می‌گیرد. براساس هر دو آماره‌ی مذکور، وجود یک رابطه‌ی بلندمدت بین شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و عوامل مؤثر بر آن تأیید شده که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵- بردار هم انباشتگی نرمال شده

نام متغیر	LCPI	LMINW	LM2	LER	LY
ضریب متغیر در بردار هم انباشتگی نرمال شده	۱	۰/۲۴	۰/۶	۰/۳۷	-۱/۴۸

مآخذ: پژوهش جاری.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضرایب متغیرهای حداقل دستمزد، نقدینگی، نرخ ارز و تولید به ترتیب ۰/۲۴، ۰/۶، ۰/۳۷ و ۱/۴۸- درصد می‌باشد. این بدان مفهوم است که یک درصد افزایش در متغیرهای مذکور به ترتیب به افزایش ۰/۲۴، ۰/۶، ۰/۳۷ و کاهش ۱/۴۸- درصدی در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

۳-۵- پویایی‌های کوتاه‌مدت

به‌منظور بررسی پویایی‌های کوتاه‌مدت از دو روش توابع عکس‌العمل و تجزیه‌ی واریانس استفاده شده که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

1- Maximal Eigenvalue

2- Trace

۱-۳-۵- توابع عکس‌العمل^۱

توابع عکس‌العمل، رفتار پویای متغیرهای درون‌زای سیستم را در پاسخ به تکانه‌ی اعمال شده به میزان یک انحراف معیار به هر یک از متغیرهای سیستم نشان می‌دهد. اثرات یک انحراف معیار تکانه‌ی فرضی در متغیرهای حداقل دستمزد، نقدینگی، نرخ ارز و تولید بر سطح عمومی قیمت‌ها در جدول (۶) ارائه شده است. ارقام ستون سوم (از سمت چپ) نشان‌دهنده‌ی آن است که یک انحراف معیار تکانه‌ی وارد بر حداقل دستمزد در دوره‌های مختلف چه اثری بر سطح عمومی قیمت‌ها دارد. به‌عنوان مثال اثر این تکانه در دوره‌ی اول به میزان ۰/۰۱ و در دوره‌ی دوم به میزان ۰/۰۰۸ می‌باشد.

جدول ۶- نتایج تابع عکس‌العمل متغیر سطح عمومی قیمت‌ها

	LCPI	LMINW	LM2	LER	LY
۰	۰/۰۷۱۰۵۳	۰/۰۱۲۳۹۶	۰/۰۲۳۰۲۳	۰/۰۳۹۹۹۰	-۰/۰۱۹۸۹۷
۱	۰/۰۷۰۰۴۸	۰/۰۱۰۰۶۱	۰/۰۲۱۹۰۴	۰/۰۴۳۴۵۷	-۰/۰۱۹۷۸۸
۲	۰/۰۶۹۶۳۹	۰/۰۰۸۷۹۵۶	۰/۰۲۰۶۱۶	۰/۰۴۶۱۶۸	-۰/۰۱۹۱۴۲
۳	۰/۰۶۹۶۳۷	۰/۰۰۸۰۰۸۱	۰/۰۱۹۲۲۲	۰/۰۴۸۴۷۴	-۰/۰۱۸۱۷۵
۴	۰/۰۶۹۸۵۲	۰/۰۰۷۳۴۸۱	۰/۰۱۷۷۶۸	۰/۰۵۰۵۹۶	-۰/۰۱۷۰۴۳
۵	۰/۰۷۰۱۳۷	۰/۰۰۶۶۴۴۸	۰/۰۱۶۲۸۴	۰/۰۵۲۶۴۹	-۰/۰۱۵۸۴۴
۶	۰/۰۷۰۳۹۶	۰/۰۰۵۸۴۰۲	۰/۰۱۴۷۹۰	۰/۰۵۴۶۷۷	-۰/۰۱۴۶۲۶
۷	۰/۰۷۰۵۷۸	۰/۰۰۴۹۳۴۳	۰/۰۱۳۲۹۲	۰/۰۵۶۶۸۹	-۰/۰۱۳۴۰۹
۸	۰/۰۷۰۶۶۱	۰/۰۰۳۹۵۱۱	۰/۰۱۱۷۹۵	۰/۰۵۸۶۷۲	-۰/۰۱۲۱۹۷
۹	۰/۰۷۰۶۴۱	۰/۰۰۲۹۱۸۳	۰/۰۱۰۲۹۸	۰/۰۶۰۶۱۲	-۰/۰۱۰۹۸۷
۱۰	۰/۰۷۰۵۲۰	۰/۰۰۱۸۵۸۹	۰/۰۰۸۸۰۱۷	۰/۰۶۲۴۹۴	-۰/۰۰۹۷۷۲۸

مأخذ: پژوهش جاری.

واکنش سطح عمومی قیمت در برابر تکانه‌ی وارده شده بر حداقل دستمزد به‌گونه‌ای است که ابتدا قیمت از مسیر تعادل بلندمدت خود منحرف شد، اما با گذشت زمان، اثر تکانه کاهش یافته است. نوع اثرگذاری حداقل دستمزد بر قیمت‌ها به‌گونه‌ای است که تکانه‌ی حداقل دستمزد در تمام دوره‌ها دارای اثر مثبت بر سطح عمومی قیمت‌ها بوده و موجب افزایش آن می‌شود، اما در نهایت با گذشت زمان، این اثر مثبت رو به کاهش گذاشته و قیمت‌ها به‌تدریج به مسیر بلندمدت خود نزدیک می‌شوند.

از سوی دیگر، اثر تکانه‌ی قیمت بر متغیر حداقل دستمزد به گونه‌ای است که تکانه‌ی قیمت نیز در تمامی دوره‌ها دارای اثر مثبت بر حداقل دستمزدها می‌باشد؛ که این امر به مفهوم افزایش سطوح حداقل دستمزد در نتیجه‌ی افزایش قیمت‌هاست. طی سه دوره‌ی اول، این اثر افزایشی به طرز محسوسی موجب منحرف شدن حداقل دستمزد از مسیر بلندمدت خود می‌شود، از آن پس، میزان اثر افزایشی تکانه رو به کاهش گذارده و حداقل دستمزد به سمت مسیر بلندمدت خود بازمی‌گردد. در نهایت در دو دوره‌ی آخر علائمی از انحرافات خفیف حداقل دستمزدها از مسیر بلندمدت آن پدیدار می‌شود.

۲-۳-۵- تجزیه‌ی واریانس^۱

با استفاده از روش تجزیه‌ی واریانس خطای پیش بینی، سهم هر متغیر در تغییرات سایر متغیرهای الگو قابل اندازه‌گیری است. به بیان دیگر، می‌توان بررسی کرد که تغییرات یک دنباله تا چه حد متأثر از اجزای خود دنباله بوده و تا چه میزان از اجزای اخلال سایر متغیرهای درون سیستم تأثیر پذیرفته است. نتایج به دست آمده از تجزیه‌ی واریانس دو متغیر تورم و حداقل دستمزد (طی ۱۰ دوره) در جداول (۷) و (۸) ارائه شده است.^۲

جدول ۷- نتایج تجزیه‌ی واریانس سطح عمومی قیمت‌ها

	LCPI	LMINW	LM2	LER	LY
۱	۰/۹۹۷۳۶	۰/۰۲۵۵۳۶	۰/۱۰۱۱۷	۰/۳۴۹۴۱	۰/۰۷۸۸۸۸
۲	۰/۹۹۳۲۱	۰/۰۲۲۲۹۰	۰/۰۹۶۲۶۲	۰/۳۷۶۹۷	۰/۰۷۷۴۰۸
۳	۰/۹۸۸۳۸	۰/۰۱۹۹۳۳	۰/۰۹۰۷۳۹	۰/۴۰۰۷۴	۰/۰۷۴۶۳۷
۴	۰/۹۸۳۰۱	۰/۰۱۸۰۴۵	۰/۰۸۴۹۴۶	۰/۴۲۱۸۷	۰/۰۷۱۱۰۶
۵	۰/۹۷۷۰۲	۰/۰۱۶۴۰۵	۰/۰۷۹۱۲۴	۰/۴۴۱۲۲	۰/۰۶۷۱۹۶
۶	۰/۹۷۰۳۳	۰/۰۱۴۹۰۸	۰/۰۷۳۴۳۳	۰/۴۵۹۳۹	۰/۰۶۳۱۵۷
۷	۰/۹۶۲۸۷	۰/۰۱۳۵۱۸	۰/۰۶۷۹۷۲	۰/۴۷۶۷۷	۰/۰۵۹۱۴۱
۸	۰/۹۵۴۶۵	۰/۰۱۲۲۳۰	۰/۰۶۲۸۰۲	۰/۴۹۳۵۶	۰/۰۵۵۲۳۹
۹	۰/۹۴۵۶۷	۰/۰۱۱۰۵۴	۰/۰۵۷۹۵۵	۰/۵۰۹۸۷	۰/۰۵۱۵۰۱
۱۰	۰/۹۳۵۹۷	۰/۰۰۹۹۹۸۸	۰/۰۵۳۴۴۶	۰/۵۲۵۷۳	۰/۰۴۷۹۵۴
متوسط	۰/۹۷۰۸۴۷	۰/۰۱۶۳۹۲	۰/۰۷۶۷۸۵	۰/۴۴۵۵۵۳	۰/۰۶۴۶۲۳

مأخذ: پژوهش جاری.

1- Variance Decompositions

۲- نتایج تجزیه‌ی واریانس به روش Generalized در نرم‌افزار Microfit به گونه‌ای است که مجموع سهم متغیرها در نوسانات یک متغیر، بیش از ۱۰۰ درصد می‌باشد.

سهم حداقل دستمزد در توجیه نوسانات تورم در دوره‌های ابتدایی بیش تر است، اما پس از آن با کاهش سهم حداقل دستمزد، از اهمیت این متغیر در توضیح نوسانات تورم کاسته می‌شود. به‌طور کلی براساس تجزیه‌ی واریانس سطح عمومی قیمت‌ها (به‌طور متوسط طی ۱۰ دوره) ۹۷ درصد از نوسانات سطح عمومی قیمت‌ها توسط خود این متغیر و ۱ درصد توسط حداقل دستمزدها توضیح داده می‌شود (جدول ۷).

جدول ۸- نتایج تجزیه‌ی واریانس حداقل دستمزد

	LCPI	LMINW	LM2	LER	LY
۱	۰/۱۲۳۰۰	۰/۸۵۱۶۸	۰/۱۴۳۳۵	۰/۰۷۶۰۰۹	۰/۰۲۷۸۷۷
۲	۰/۲۰۰۵۲	۰/۷۲۷۹۲	۰/۱۴۲۲۵	۰/۰۵۷۰۷۴	۰/۰۳۰۹۳۱
۳	۰/۲۶۳۴۵	۰/۶۴۴۹۶	۰/۱۵۱۶۱	۰/۰۴۶۹۷۱	۰/۰۳۰۷۲۶
۴	۰/۳۱۴۱۴	۰/۵۸۷۰۹	۰/۱۶۵۵۷	۰/۰۴۶۹۶۵	۰/۰۲۹۳۹۷
۵	۰/۳۵۴۲۶	۰/۵۴۲۸۶	۰/۱۸۰۲۱	۰/۰۵۵۵۵۲	۰/۰۲۷۸۰۸
۶	۰/۳۸۶۰۸	۰/۵۰۶۲۱	۰/۱۹۳۲۹	۰/۰۷۰۱۸۶	۰/۰۲۶۲۷۳
۷	۰/۴۱۲۱۱۰	۰/۴۷۴۲۶	۰/۲۰۳۸۴	۰/۰۸۸۵۰۲	۰/۰۲۴۸۹۵
۸	۰/۴۳۴۳۷	۰/۴۴۵۵۸	۰/۲۱۱۵۹	۰/۱۰۸۸۷	۰/۰۲۳۷۱۵
۹	۰/۴۵۴۱۳	۰/۴۱۹۳۷	۰/۲۱۶۶۲	۰/۱۳۰۳۶	۰/۰۲۲۷۵۸
۱۰	۰/۴۷۱۹۹	۰/۳۹۵۰۸	۰/۲۱۹۱۷	۰/۱۵۲۵۳	۰/۰۲۲۰۴۱
متوسط	۰/۳۴۱۴۰۴	۰/۵۵۹۵۰۱	۰/۱۸۲۷۵	۰/۰۸۳۳۰۲	۰/۰۲۶۶۴۲

ماخذ: پژوهش جاری.

از نتایج تجزیه‌ی واریانس متغیر حداقل دستمزد که در جدول (۸) ارائه شده‌است می‌توان دریافت که سهم سایر متغیرهای الگو در توضیح نوسانات این متغیر حائز اهمیت است؛ به‌گونه‌ای که در دوره‌های پایانی در حدود ۶۰ درصد بی‌ثباتی در حداقل دستمزد توسط متغیرهای دیگر توضیح داده می‌شود. به‌طور متوسط طی ۱۰ دوره، ۵۶ درصد تغییرات حداقل دستمزد توسط خود آن، ۳۴ درصد توسط سطح عمومی قیمت‌ها، ۱۸ درصد توسط حجم نقدینگی، ۸ درصد توسط نرخ ارز و ۲ درصد این تغییرات توسط تولید قابل توجیه است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تعیین حداقل دستمزد با هدف حمایت از نیروی کار کم مهارت در برابر فقر، استثمار و تحقق عدالت اجتماعی انجام می‌پذیرد. به‌طور کلی در تعیین حداقل

دستمزدها ۴ هدف عمده‌ی جلوگیری از استثمار نیروی انسانی، بالارفتن سایر سطوح مزد، از میان بردن رقابت غیرقانونی کارفرمایان و تحقق توزیع عادلانه درآمد دنبال می‌شود. بررسی ویژگی‌های ساختاری حداقل دستمزد در کشورهای منتخب اتحادیه‌ی اروپا بیانگر آن است که قوانین مربوط به حداقل دستمزد، در سطح «ملی» بوده و تفاوتی بین بخش‌ها و نواحی مختلف وجود ندارد. علاوه بر این، اعمال نرخ‌های متمایز حداقل دستمزد در برخی کشورها بر مبنای دو معیار «سن» و «مهارت» انجام می‌گیرد. در اقتصاد ایران، تعیین حداقل دستمزد به صورت سالیانه بوده و توسط شورای عالی کار متشکل از نمایندگان اصناف کارگری، کارفرمایی و دولت، و با استناد به ماده‌ی ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد. این قانون دلالت بر آن دارد که حداقل دستمزد کارگران و هم‌چنین حقوق و دستمزد کارمندان، می‌بایست سالیانه متناسب با نرخ تورم افزایش یابد. براساس واقعیات آماری اقتصاد ایران، در بسیاری از صنایع ایران دستمزد، دومین مؤلفه‌ی اساسی (پس از مواد اولیه) در آنالیز هزینه‌های بنگاه محسوب می‌شود. هم‌چنین افزایش دستمزدها، بخش خدمات را نسبت به بخش کالا (صنایع) به‌میزان بیش‌تری متأثر می‌کند. اما از سوی دیگر، مشاهده شده است که میان رشد حداقل دستمزدها و رشد بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران، رابطه‌ای ضعیف و غیرهم‌جهت برقرار است؛ لذا با توجه به جایگاه دستمزد در فرآیند تولید کالا و خدمات در اقتصاد ایران، ارتقاء بهره‌وری نیروی کار به منظور جلوگیری و مقابله با آثار تورمی احتمالی ناشی از رشد هزینه‌ها (در اثر افزایش حداقل دستمزدها) ضروری به‌نظر می‌رسد. نتایج برآورد تجربی مدل نشان می‌دهد که در بلندمدت، حداقل دستمزد با ضریب ۰/۲۴، تأثیر مثبت معناداری بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهد داشت. هم‌چنین نتایج پویایی‌های کوتاه‌مدت حاکی از آن است که با وجود سهم ناچیز (به‌طور متوسط ۱ درصدی) حداقل دستمزد در توجیه نوسانات قیمت‌ها، قیمت‌ها دارای نقشی تعیین‌کننده در توجیه نوسانات حداقل دستمزدها می‌باشد. براساس آن‌چه بیان شده است پیشنهاد می‌شود در تعیین حداقل دستمزد، علاوه بر معیار تورم به مؤلفه‌ی بهره‌وری نیروی کار نیز توجه شود، چرا که توجه به معیارهای «تورم» و «بهره‌وری» در تعیین حداقل دستمزد سبب خواهد شد تا دغدغه‌ی کارگران در مورد داشتن تورم و هزینه‌های زندگی و هم‌چنین نگرانی کارفرمایان در مورد بهره‌وری نیروی کار، هم‌زمان مدنظر قرار گیرند. هم‌چنین با توجه به متفاوت بودن هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف کشور (و هم‌چنین مبتنی بر تجارب سایر کشورها)، تغییر شیوه‌ی تعیین

حداقل دستمزد از «ملی» به «منطقه‌ای» و هم‌چنین مبتنی بر گروه‌های مختلف شغلی بسیار راهگشا خواهد بود.

فهرست منابع

- ۱- اسنودن، بی، اچ وین و پی وینار کوپچ (۱۳۸۳). *راهنمای نوین اقتصاد کلان*، ترجمه‌ی دکتر منصور خلیلی عراقی و دکتر علی سوری، انتشارات برادران.
- ۲- امینی، علیرضا و فرهادی‌کیا، علیرضا (۱۳۸۴). *بررسی نقش ارتقای بهره‌وری عوامل در اصلاح الگوی مصرف منابع*، مجموعه مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۷۰-۱۳۳.
- ۳- اندرس، والتر (۱۳۸۶). *اقتصاد سنجی سری‌های زمانی با رویکرد کاربردی* (جلد اول)، ترجمه‌ی دکتر مهدی صادقی شاهدانی و سعید شوال پور، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). *تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاست پولی در ایران*، اداره‌ی بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷). *اطلاعات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران*. مدیریت کل آمارهای اقتصادی.
- ۶- تشکینی، احمد و قوام مسعودی، زهره (۱۳۸۴). *تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران*، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های بازرگانی، ۳۶، ۱۰۵-۷۵.
- ۷- تشکینی، احمد (۱۳۸۴). *اقتصادسنجی کاربردی به کمک Microfit*، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری دیباگران تهران.
- ۸- تشکینی، احمد (۱۳۸۸). *اندازه‌گیری تورم پایه (مورد اقتصاد ایران)*، رساله‌ی دکترا، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۹- دلیل صفایی، سحر (۱۳۸۸). *تحلیل نقش عوامل مؤثر بر تورم در ایران با استفاده از روش خودرگرسیون برداری (VAR)*، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۰- دهنوی، جلال (۱۳۸۷). *بررسی عوامل تأثیرگذار بر تورم در ایران با استفاده از الگوی سری زمانی غیرخطی نوع STR*، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران.

- ۱۱- سبحانی، حسن (۱۳۸۴). بررسی روش‌های تعیین حداقل دستمزد در شرایط نوسانات اقتصادی، ماهنامه‌ی کار و جامعه، ۶۸.
- ۱۲- سنگابی، سیما، بررسی آثار تورمی افزایش قیمت کالاهای اساسی و دستمزدها در سال ۱۳۸۳، مجله‌ی روند، سال چهاردهم، ۴۰ و ۴۱.
- ۱۳- عیسی زاده، سعید و سعید نیا، پیمان (۱۳۸۳). حداقل دستمزد و روش‌های تعیین آن، بررسی‌های بازرگانی، ۷، ۲۹-۲۲.
- ۱۴- کاظمی نژاد، مرضیه، (۱۳۸۲). آزمون رابطه‌ی علیت نرخ ارز و تورم و برآورد مدل پولی تورم در اقتصاد ایران، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۵- گرجی، ابراهیم (۱۳۷۹). اقتصاد کلان، تئوری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۱۶- گرجی، ابراهیم (۱۳۸۴). سیر تحول در تجزیه و تحلیل‌های تئوری‌های کلان اقتصادی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۱۷- متوسلی، محمود و قاسمی، محمد (۱۳۸۴). ارزیابی شاخص‌های حمایت شغلی در ایران، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ۷۱، ۱۰۲-۶۷.
- ۱۸- منکیو، گریگوری، (۱۳۷۴). اقتصاد کلان (جلد اول)، ترجمه‌ی حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسائیان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- ۱۹- مهرآرا، محسن، بررسی عوامل اقتصادی در نوسان‌های دستمزد، بهره‌وری و بیکاری، مجله‌ی برنامه و بودجه، ۵۸ و ۵۹، ۱۰۴-۵۵.
- ۲۰- مهرگان، نادر و رضایی، روح‌الله، آیا حداقل دستمزد منجر به افزایش تورم می‌شود؟ مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ۴۴، ۲۶۶-۲۵۳.
- ۲۱- نوفرستی، محمد؛ (۱۳۷۸)، ریشه‌ی واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۸.
- 22- Age'nor, Pierre-Richard, & Alexander Hoffmaister (1997). *Money, Wages And Inflation In Middle-Income Developing Countries*, IMF Working Paper, December.
- 23- Bovha Padilla, Simona, & Helios Padilla Mayer; *The Relationship Between Wage and Inflation: Case of Slovenia And Selected Central European Countries*.
- 24- Kwasi, Augustin, & Md. Shamsul (1988). *Price Inflation And Wage Inflation- A Cause- Effect Relationship?*, Economic Letters, 27, 35-40.
- 25- Laidler, David, & Michael Parkin (1975). *Inflation: A Survey*, The Economic Journal, 85, 742

- 26- Mehra, Yash (1993). *Unit Labor Costs And The Price Level*, Federal Reserve Bank of Richmond Economic Review, 79, 35-52.
- 27- Rault, Christophe (2003). *Inflation, Minimum Wage And Other Wages: An Econometric Study on French Macroeconomic Data*, IZA Discussion Paper, 861.
- 28- Rissman, Ellen (1995). *Sectoral Wage Growth And Inflation*, Federal Reserve Bank Of Chicago Economic Perspectives, 16-28.
- 29- Samuelson, Paul And William Nordhaus (1989). *Economics*. McGraw Hill Pub. 13th ed, P 810.